



آموزش مفاهیم دینی به کودکان

مژده طباطبایی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

مدرس دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد مشهد

«هیچ حرکتی نیست مگر اینکه انسان در به انجام رساندن آن نیاز به شناخت و آگاهی دارد.»
(حضرت علی علیه‌السلام، سفینه‌البحار، جلد ۱: ۱۵)

چکیده

کودکی، مهم‌ترین دوران شکوفایی انسان و اساسی‌ترین پایه جهت آموزش و تثبیت مفاهیم دینی در خردسالان است. در این مقاله، تلاش گردیده است تا با تکیه بر روان‌شناسی رشد، مراحل رشد و تکامل درک دینی در کودکان بررسی شود و پیشنهادهایی در رابطه با شیوه‌های کاربردی مناسب آموزش مفاهیم دینی در دوران کودکی به مربیان و والدین ارائه گردد.

کودک، این امانت الهی آینه‌ای خالی از هرگونه نقش و نگار است. در عین حال، زمینی را می‌ماند که پذیرای هرگونه بذری است. اگر بذر نیکی در او کاشته شود، سعادت‌مند می‌شود و اگر بذر بدی در او رشد یابد، انسانی ناسازگار خواهد شد. در سن پیش از دبستان، مربی می‌تواند با ایجاد محیط تربیتی غنی، از هر فرصتی برای پرورش روحیه و عواطف و احساسات مذهبی در کودک استفاده کند.

کلیدواژه‌ها: مفاهیم دینی، محیط دینی، آموزش‌های تربیتی، خردسالی

پرورش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد

اصل تدریج و رعایت توان و استعداد فراگیرنده، یکی از اصول مهم تعلیم و تربیت است. انسان از زمان تولد تا سنین بزرگسالی توانایی‌های جسمی، ذهنی و عاطفی یکسانی ندارد و در هر دوره از رشد با خصوصیات ویژه آن دوره ظاهر می‌شود. یکی از مباحثی که دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت باید با آن آشنا شوند، چگونگی استنباط کودکان از موضوعات دینی است. اگر در صدد آن هستیم که آموزش مذهبی متناسب با ویژگی‌های کودکان را برنامه‌ریزی نماییم، ناچار از آنیم که به دنیای کودکان آنان گام بگذاریم و از دید آن‌ها به معارف دینی بنگریم. ما باید عدم موفقیت خود را در نقص موجود در برنامه‌های خویش جست‌وجو کنیم نه در کودکان. نداشتن آگاهی از برداشت‌های کودکان سبب خواهد شد معارف دینی در سطوحی ارائه شود که با فهم دانش‌آموزان متناسب نباشد و این مایه خستگی و دل‌زدگی آنان از مسائل دینی می‌گردد (باهنر، ۱۳۹۰).

علاوه بر این، تفکر خام و محدود نه تنها آنان را از تصورات و برداشت‌های غیرواقعی نجات نمی‌بخشد بلکه به این تصورات دور از واقعیت قوت خواهد داد؛ چرا که کودک ناچار است برای درک مفاهیمی فراتر از استعداد خویش، به همان تفکرات کودکانه و خام روی آورد و خود را قانع سازد. مشکل دیگر در چنین آموزشی این است که مربی با توجه به زمینه‌های رشد کودک نخواهد توانست شرایط لازم را برای ورود وی به سطوح بالاتر تفکر مهیا سازد؛ از این‌رو ممکن است ناخواسته، رسیدن او به برداشت‌های حقیقی و واقعی را به تأخیر اندازد.

چنانچه یک مربی دینی با این مفاهیم و برداشت‌ها از نزدیک آشنا باشد، متناسب با این سطح از درک، روش‌های ساده‌ای را بر خواهد گزید تا به تدریج، خامی تفکر مخاطب را زدوده و او را به تصورات واقعی نزدیک‌تر سازد او می‌داند که فراگیر در مرحله بعد باید به کدام مفاهیم و برداشت‌ها از معارف دینی دست یابد و مطابق آن‌ها، پیش‌بینی‌های لازم را خواهد نمود تا آموزش خود را به‌سوی آن سطح تفکر سوق دهد؛ حتی ورود آنان را به مراحل بالاتر سرعت بخشد. از این‌رو می‌طلبید دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، علاوه بر آشنایی با برداشت‌های کودکان در این دوره، از مراحل بعد از آن نیز آگاهی یابند.

عوامل مؤثر در تربیت دینی کودکان

از مهم‌ترین این عوامل موارد زیر را می‌توان برشمرد:

خانواده: هرچه خانواده نسبت به مسائل دینی مقیدتر باشد، محصول تربیتی آنان از پایداری بیشتری برخوردار خواهد بود. باید توجه داشت که ارزش‌های دینی را خانواده به فرزندان منتقل می‌کند.

الوین تافلر^۱ اعتقاد دارد: «برای گسترش فرهنگ غرب باید خانواده‌ها را به نابودی کشاند».

محیط: دیگر عامل مهم در تربیت کودکان، محیط است که وسایل ارتباط جمعی، مجله‌ها، روزنامه‌ها، گروه‌های اجتماعی و حتی محیط جغرافیایی را شامل می‌شود و در ساختار جسمی و روانی انسان تأثیر شگرفی دارد (موریس دیس، ۱۳۸۲).

سن آغاز تربیت دینی

این دوره از اولین قدم‌ها جهت انتخاب همسر و به دنبال آن، دوران حمل و سپس تولد کودک آغاز می‌شود. با تولد نوزاد، والدین به‌طور مستقیم در جهت آموزش و ساختن او گام برمی‌دارند. از همان لحظه‌های آغازین، وقتی اذان و اقامه در گوش راست و چپ نوزاد قرائت می‌شود، وی معنی آن‌ها را در نمی‌یابد ولی اعصاب و مغزش تأثیر لازم را دریافت خواهد کرد.

پدر و مادر وظیفه دارند محیطی مناسب برای فرزند خویش به وجود آورند تا عقایدی که در فطرت او قرار داده شده است، به تدریج ظهور و بروز نماید. نوزادی که در محیط دینی پرورش یافته و صدها مرتبه آهنگ دلنشین تلاوت قرآن و لفظ زیبای کتاب خدا را شنیده و نماز خواندن پدر و مادر را به چشم دیده است، با نوزادی که در محیط غیردینی رشد یافته، یکسان نیست.

نقش مهدهای کودک در پرورش دینی خردسالان

باید توجه داشت ساعات‌های حضور کودک در مراکز پیش‌دبستانی نباید به‌صورت برنامه دینی و غیردینی جداسازی شود؛ چرا که کودک با ورود به مهد و سلام گفتن به مربیان و دوستان همچنین رعایت آداب از قبیل مسواک زدن و شستن دست‌ها قبل و بعد از غذا، خواندن دعا، کمک به دیگران، احترام گذاشتن به بزرگ‌ترها و ... همه چیزهایی را که جزو مفاهیم دینی هستند، فرا می‌گیرد. این مفاهیم باید در لابه‌لای آموزش‌ها، حضوری پررنگ داشته باشند و نباید به صورت جدا و در ساعتی خاص به آن‌ها پرداخت. اختصاص دادن ساعتی خاص به آموزش مفاهیم دینی و مطرح نکردن آن در سایر برنامه‌ها، نادرست است.

از بهترین روش‌ها برای آموزش مفاهیم تربیتی در خردسالان، ایجاد محیط دینی مناسب با استفاده از برنامه‌های مورد علاقه ایشان مثل بازی، قصه‌گویی، شعرخوانی، نمایش و... است. بازگو کردن قصه‌های قرآنی با بیانی شیوا و قابل درک برای کودک، همچنین فرستادن او به اردوهای تفریحی در مکان‌های دینی همراه با برنامه‌هایی که شادابی وی را به دنبال دارد، مقدمه‌ای



مناسب جهت شکل‌گیری

آموزه‌های دینی در کودک است.

رفتار مهربانانه و تشویق مریبان می‌تواند اعتماد کودکان را جلب را کند و باعث ماندگاری آموزه‌ها نزد آنان شود.

اصول تدوین برنامه‌ها و فعالیت‌های دینی برای خردسالان

- در تعیین اهداف و روش‌ها و محتوای مفاهیم دینی، کتاب قرآن و سیره نبوی و ائمه (ع)، منبع و تکیه‌گاه اصلی است.

- «مفاهیم دینی باید بر جنبه‌های رحمت و لطف الهی تأکید داشته باشد.» (رحیمی، ۱۳۸۵)

- «برنامه‌های دینی کودکان باید با رشد ذهنی و تجارب آنان هماهنگی داشته باشد؛ به همین دلیل همواره باید از طرح مفاهیم انتزاعی نظیر معجزه و عذاب الهی و اشاره به مفهوم ذات خداوند، که کمتر با آموخته‌های قبلی کودک هم‌خوانی دارد، پرهیز نمود.» (گریوانی، ۱۳۸۸)

- مفاهیم دینی ضمن ساده و کودکانه بودن، باید موثق باشند؛ بنابراین مراقبت کنید که نظر شخصی خود را به‌عنوان مفهوم دینی به کودکان نیاموزید.

- در پرورش دینی باید الگوهای رفتاری ساده از زندگی معصومین (ع) و قابل تطبیق با ذهن کودک به نحوی جذاب فراهم شود.

- همراهی کودکان در گردش علمی و اردوهای دسته‌جمعی، حضور در اجتماعات و مراسم مذهبی مانند مراسم عزاداری امام حسین (ع)، بخش خرما، سینه‌زنی، حمل پرچم‌ها و شرکت در جشن‌ها و اعیاد اسلامی و مانند آن می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

- «ارائه مفاهیم دینی برای کودکان باید در پیوند نزدیکی با زندگی روزمره ایشان باشد» (کول، ۱۳۸۹).

- در پرورش دینی کودکان، عنصر شادی‌آفرینی از مهم‌ترین اصل‌هاست.

- باید از زیاده‌روی و سخت‌گیری در روند ارائه مطالب دینی پرهیز شود.

- مطالب دینی ارائه شده در این دوره نباید به گونه‌ای باشد که کودکان را به وحشت بیندازد یا در آنان تصورات نامناسبی ایجاد کند.

- در فعالیت‌های

کودکان باید از رسانه‌های

آموزشی نظیر کتاب، نوارهای صوتی و تصویری، وسایل بازی، همچنین روش‌های مناسب مانند قصه، شعر، بازی و بهره گرفت (ولی‌زاده، ۱۳۹۱).

- برای حفظ شادابی کودکان در آموزش مفاهیم دینی، پیشنهاد می‌شود از شیوه‌های تشویقی متناسب با روحیه کودک، به موقع استفاده شود و از برخوردهای تند پرهیز گردد.

- یادآوری نعمت‌ها به تقویت انس کودک با خدا کمک می‌کند.

- باید کودکان را نسبت به رحمت خداوند امیدوار کرد و از بیان عذاب دوزخ، به‌گونه‌ای که زندگی پس از مرگ را به گونه‌ای وحشتناک ترسیم کند، خودداری شود.

- مفاهیم دینی به تدریج، غیرمستقیم و از طریق الگوی مناسب به کودکان آموزش داده شود.

- از یاد نبریم که مهم‌ترین وظیفه تربیت دینی در ارتباط با کودکان، ایجاد و تقویت عادات صحیح و خلقیات نیکو در دو حوزه فردی (توجه به نظافت، نظم، صبر و پرهیز از اسراف و اعتمادبه‌نفس، پرهیز از حسادت و ...) و اجتماعی (مهربانی، احترام به پدر و مادر، امانت‌داری، مهربانی با طبیعت و ...) است.

پی‌نوشت

1. ALVIN TAFLEER

منابع

۱. باهنر، ناصر. (۱۳۹۰). آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد. تهران: چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۲. رحیمی، علی‌رضا. (۱۳۸۵). تربیت دینی کودکان. تهران: نشر نهج.
۳. گریوانی، مسلم. (۱۳۸۸). خدایی که در این نزدیکی است، مشهد: انتشارات ضریح آفتاب.
۴. مجیب، فرشته و دیگران. (۱۳۸۰). فعالیت‌های آموزشی پیش‌دبستانی، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی.
۵. دبس، موریس. (۱۳۸۲). مراحل تربیت. مترجم: محمدعلی کاردان. تهران: کول، ونیتا. (۱۳۸۹).
۶. برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان. مترجم: فرخنده مفیدی. تهران: انتشارات سمت.
۷. ولی‌زاده، لیلا. (۱۳۹۱). شیوه‌های عملی جهت ارائه مفاهیم دینی در مهدکودک. تهران: انتشارات سازمان بهزیستی کشور.